

مقایسه تطبیقی آرمان شهرگرایی با نگاه مدیریت اسلامی

کامبیز حمیدی^۱، بهداد آزادی^۲

۱. دکتری، مدیریت دولتی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ایران

۲. دانشجوی دکتری، مدیریت دولتی، تصمیم گیری و خط مشی گذاری عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ایران

چکیده

شهر آرمانی اسلام و شهر خدا که اندیشمندانی بزرگ چون فارابی، اخوان الصفا، سهروردی، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، نظامی گنجوی و ابن خلدون در اندیشه‌ی سیاسی خود، از آن سخن گفته اند، می‌تواند در کنار حقیقت اعتقادی و ایمان واقعی به اسلام، معیاری برای ارزیابی دعای کسان باشد که سخن از شهر اسلامی می‌گویند. آرمان شهر اسلامی در پی ترسیم رابطه‌ی انسان با خدا، اجتماع، محیط و خود می‌باشد و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد و هم به ساختار شهر توجه دارد و اهمیت حیات معنوی هماهنگ با خلقت را به تصویر می‌کشد و به ورای ظاهر شهر، شکل و چهره آن می‌رود تا به روح و معنا و جوهر آن دست یابد. روش مورد استفاده در این مقاله روش تطبیقی است. در این مقاله نویسنده سعی نموده تا نظریات مختلف در حوزه مدیریت اسلامی آرمان شهرگرایی را در کنار هم قرار داده و پس از مقایسه دقیق آنها، یک طبقه بندی پیشنهادی از آنها ارائه نماید. براساس نتایج به دست آمده بدون طرح یک چارچوب مشخص حتی با وجود منابع غنی شامل آیات، احادیث و سنت‌های اولیای الهی، نمی‌توان برای آرمان شهرگرایی در مدیریت اسلامی تعریف مناسبی ارائه داد، اما با توجه به تقسیم بندی نگرش‌های حاکم بر تحلیل تئوری‌های مدیریت می‌توان چارچوبی برای آن ارائه کرد که قابل پیاده سازی و ارزیابی باشد.

واژه‌های کلیدی: آرمان شهر، تفکر اسلامی، مدیریت اسلامی، اندیشه آرمان شهری در دنیای اسلام

مقدمه

آرمان خواهی بزرگترین عامل حرکت و تکامل آدمی بوده و او را داشته تا هرگز در حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی ساکن نشود و همین نیرو است که او را همواره به تفکر، کشف، کنجکاوی، حق یابی، ابتکار و خلق مادی و معنوی وای دارد؛ هنر، ادبیات و تمام فرهنگ بشری تجلیگاه روح ایده آل این موجودی است که هرگز به تسلیم در برابر وضعی که جهان برایش تدارک دیده خشنود نیست، به ویژه انسان عصر جدید یک نگاهش به گذشته ای سراپا تیره و تار همانند قرون وسطی و یک نگاهش به آینده ای روشن و عصری طلایی بوده و خواهان جهانی پرشکوه و جلال بوده است. از این روی تشکیل جامعه ای آرمانی، اصلاحگری آن در رفع مظاهر مفاسد هر جامعه و زیستی انسانی سودای همیشگی بشریت بوده است و البته این رویای بشری صفحه ضمیر اندیشه و زان مشرق زمین و مغرب زمین را در نور دیده و پیرو قابلیت های آنان، تعینات گوناگونی یافته است، چنان که شاعر در شعرش، پیکره تراش در پیکره اش و نقاش در نقاشی اش آرمان خود را نشان می دهد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

تصویری که از شهر آرمانی در سیمای توصیفی نامبردگان ارائه گشته است، برحسب مواضع سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی و فرهنگی عصر خود بوده است. گاه آرمانشهر در اساطیر عصر زرین گذشته جست وجو شده است، و گاه به صورت بازآفرینی ای تخیلی، تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی در آینده درآمده است. گاه در افسانه ها و اساطیر و افتخارات ملی گذشته جست وجو گردیده است. گاه در محک بازگویی آرمانهای نظامهای حاکم و گاه در یادآوری انتظار فرج و در دستیابی به آینده ای موعود برای ضعفا و محرومان زمین، ترسیم گشته است (نقی زاده، ۱۳۸۹).

از طرفی اصطلاح مدیریت اسلامی از دو واژه مدیریت و اسلام ترکیب یافته است. مدیریت در ترکیب با اسلام خصوصیتی می یابد که با دیگر ویژگیهای مدیریت متفاوت است. برای بررسی انطباق پذیری دیدگاه های اسلامی بر مفاهیمی چون مدیریت باید به پیشینه و سیر تکوین و رشد آن توجه داشت. نمی توان صرفاً با انتزاع مفاهیم تجریدی به تطبیق آنها با مفاهیم اسلامی پرداخت. این گونه مطالعات تطبیقی، نیاز به دقت زیادی دارد تا اشتباه و اختلاط پیش نیاید. به همین منظور قصد ما این است تا در این مجال به بررسی مقایسه تطبیقی آرمان شهرگرایی با نگاه مدیریت اسلامی پردازیم تا تاثیر پذیری این دو از هم را بیشتر درک کنیم.

پیشینه

احمدی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی سیرتفکرات پیرامون مدینه فاضله در جهان اسلام پرداختند. نتایج نشان داد که شهر آرمانی اسلام کالبد و شکل ثابت ندارد و متفکران اسلامی بیشتر ابعاد

ذهنی شهر آرمانی را ارئه می کنند. آنان اصول را مدنظر قرار می دهند و بعدا کالبد با توجه به آن اصول و منطق با شرایط زمانی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی به وجود خواهد آمد.

چاوشی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی پرداخت. بسیاری کوشیده اند تا در جهت شناخت و معرفی این پدیده مهم، گامی فرا پیش نهند. هر یک از این افراد از منظری به مدیریت اسلامی نگریسته اند و نتیجه این تلاشها منجر به ارایه نظریاتی در خصوص تعریف و بسط مفهوم مدیریت اسلامی شده است. مقاله حاضر اقدام به دسته بندی این نظریات به شرح زیر نموده است:

– نظریه یا رویکرد نظری رشد در مدیریت اسلامی

– رویکرد اصول گرایی

– رویکرد اخلاق و ویژگیهای مدیران اسلامی

– رویکرد وظایف مدیران مسلمان

– رویکرد تاثیر ارزشهای اسلامی بر مدیریت

در این مقاله سعی شده است مبانی اصولی، تعریف مدیریت اسلامی و نظریه پردازان شاخص هر رویکرد ارایه شود تا از این رهگذر امکان مقایسه، جمع بندی و تحقیق بیشتر و گسترده تر برای محققین و علاقه مندان به مبحث مدیریت اسلامی فراهم شود.

آکوچکیان (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه ای پرداخت. مجال کوتاه این مقاله، در پاسخ به پرسش راهبردی چگونگی گذار از ذهنیت آرمان شهر به عینیت آن، اجازت ورود ابتدایی به چهار نکته را می بخشد:

– چستی مفهوم آرمان شهر بالحاظ تعریف ساختی شهر

– بنیان معرفت شناسانه اندیشه ی آرمان شهر

– اندیشه ی درگذار آرمان شهر در جهان ایرانی اسلامی

– مدخلی برالگوی آرمان شهر توسعه ای

مبانی نظری

آرمان شهرگرایی

یکی از آرزوهای دیرینه بشر، دستیابی به آن نوع شیوه زیست بوده است که زندگی او را با آن بخش از اندیشه است که در طول «اندیشه آرمانشهری» هروزی و کامیابی قرین سازد تاریخ راههای تحقق این آرزو را بررسی کرده است. آرمانشهر، مدینه فاضله، جامعه توحیدی یا یوتوپیا جامع های است آرمانی، که در آنجا زندگانی مردم، کامل و قرین رستگاری است. مفهوم یوتوپیا از آشتگی و صعوبت خاصی برخوردار است چنانکه نظریه پردازان و نگارندگان یوتوپیا نتوانسته اند به تعریف مشترکی از آن دست

یابند اما واژه یوتوپیا برگرفته از واژه ی یونانی توپوس^۱ به معنی مکان است که نظریه پردازن با افزودن حرف نفی او آن مفهومی منفی ساخته که خوبستان، هیچستان یا بهترین مکان یا لامکان و یا به گفته شیخ اشراق شهاب الدین سهروردی ناکجاآباد معنی می‌دهد (سهروردی، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

آرمان شهر یا یوتوپیا، شهر، جامعه یا دولتی آرمانی و کامل است که اهل آن، تاریخ ندارند و به دور از هر گونه نگرانی و ترس و آسوده از اندیشه مرگ، در شهر خود به کار مشغول اند. یوتوپیا شهری زمینی است که مردان آن، جایگاهی معین در شهر دارند و این انتظام را چیزی جز قانون آن شهر معین نکرده است که آن هم ساخته و پرداخته دست بشر است. آرمانشهر، رؤیای بازگشت به بهشتی است که آدم از آنجا رانده شد، اما در شکل بخشی آرمانشهر، اوصاف این بهشت به شهری زمینی نسبت داده می‌شود که در زندگی انسان متجلی است (شاسنی، ۱۳۷۷: ۳۲).

در اندیشه و تفکر اسلامی، نخستین بار واژه ی آرمانشهر توسط حکیم ابونصر فارابی به صورت (مدینه فاضله) به کار گرفته شد، از آن پس این نام دستخوش تغییر نگردید. چرا که حکیم در کتاب خود از اقسام دیگر مدینه (مدینه ی ضروری، بداله، خست، کرامت) نیز یاد کرده است (فارابی، ۱۳۶۱: ۴۴). بنابراین در اصل واژه تغییری داده نشده است. در فارسی بهتر است به جای واژه‌های بیگان هی یوتوپیا و یا مدین هی فاضله از واژه‌های آرمانشهر و آرمانشهرگرایی سود جست شود چنانکه عزت الله فولادوند در ترجمه کتاب گریز از آزادی اثر اریش فروم از اصطلاح کام شهر و امیرحسین آریا نور در کتاب نقدهایی بر زمینه جامعه شناسی از اصطلاحات بی نام شهر، جامعه ی آرمانی، شهریور، خرم آباد، خیال آباد، شهرلامکان استفاده نموده است.

به لحاظ مفهومی، آرمانشهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی است، که از جمله آرزوهای کهن انسان بوده است، آرزویی کاملاً طبیعی که عمری به درازای عمر آدمی دارد. در واقع با تحقق این آرزو، مکانی پیدا می‌شود که مجمع هم هی خیرها و فضیلت هاست و در آن از شر و شیطان خبری نیست. ویژگی هایی که برای این مکان برشمرده می‌شود، آن چنان شوق انگیز است که کمتر کسی هوس رفتن بدانجا را نکند و البته بسیاری از اندیشمندان سیاسی سعی بر ایجاد چنین آرمانشهری داشته‌اند و به تعبیری می‌توان تاریخ اندیشه سیاسی را داستان جذاب و پر ماجرای کوشش برای تاسیس آرمانشهر دانست.

به هر ترتیب هم زمان با کوشش برای توصیف جامع های مطلوب و ایده آل و یا راه های دستیابی به آن، تعاریف مختلفی نیز بر حسب نظر اندیشمندان از یوتوپیا صورت گرفته است بعضی آنرا منطبق بر کمال معنوی انسان و عد های آنرا در آزادی و خوشبختی مادی می‌دانند اما باید گفت، آرمانشهر، محصول تفکر انسان نا خرسند از وضعیت روزگار و در واقع تجلی آرزوی نویسنده است و هر یک از متفکران نیز به گوشه ای از ابعاد آرمانشهر پرداخته اند.

1. Topos
2. Ou

البته لازم به گفتن است که در قرون اخیر گونه‌ای از تفکر آرمانشهری سکولار به نام مارکسیسم رواج یافته است. آرمانشهری که نتیجه حاصل از آن یک جامعه آزاد از طبقات و مذهب است. مفومی که توسط سیاست مدارانی چون لنین، استالین و رهبران چین، کوبا و کره مورد بهره برداری قرار گرفت و بدین صورت سیاست های مارکس به سمت نوعی یوتوپایی شدن حرکت کرد و بعدها کمونیسم و سوسیالیسم شکلهای مختلفی به خود گرفت، که این نوع برداشت در پی توجه به ارزش های مادی و زمینی است. حاصل آن که، برخی از ویژگی های یوتوپیاها را می توان این گونه برشمرد:

- یوتوپیا طرحی ذهنی و تصویری ایده آل از دنیای به نسبت بهتر می باشد؛
- یوتوپیا عدالت را شالوده اساسی حکومت خود می داند. در حقیقت ایده آرمانشهر گرایی از عمق وجودی یک فیلسوف به عنوان یک نگرش فطری به عدالت بر می خیزد؛
- یوتوپیا از سویی از واقعیت های موجود انتقاد می کند و از سوی دیگر، برای توصیف جامعه ی مطلوب وضع شده که در واقعیت وجود ندارد؛
- یوتوپیا می خواهد فرد را با جامعه و همگان متحد ساخته و سازش دهد و از این روی مدنیت طبیعی و رابطه تعاون میان انواع انسانی از شالوده های آرمانشهر است؛
- یوتوپیا از مرزهای زمان و مکان می گذرد. جایگاه آن تخیلی است؛
- جرقه پیدایش یوتوپیا در بحران ها زده می شود؛
- صلح، آسایش و رفاه از ویژگی های مثبت یوتوپیا به شمار می آید؛
- بیشتر نویسندگان یوتوپیا اندیش، افرادی گوشه گیر و ناسازگار بوده اند؛
- توجه به حاکم از ویژگی های غالب آرمانشهرها است. کسانی همانند فارابی و افلاطون، فرانسیس بیکن بر آن بودند که باید حکیم حاکم و یا حاکم حکیم باشد. کامپلانا یک جامعه ی سوسیالیستی را به تصویر می کشد که کشیشان و روشنفکران، رهبران آن هستند و آگوستین معتقد است اراده الهی در بدو خلقت چنین بود که هیچ انسانی بر انسان دیگر حکومت نکند بلکه حاکم علی الاطلاق خدا باشد و انسانها در طول حاکمیت خدا باشند پس جامعه ای سعادت مند است که تحت نظارت و رهبری کلیسا و روحانیون باشد و بهتر و راحت تر همین است که مردان خدا ترس که از قوانین و اوامر الهی تبعیت می کنند همیشه در رأس امپراتوری ها باشند و این ستمها را نه به خاطر خود که به خاطر مردمانی که به آنها حکومت می کنند بپذیرند.
- دانایی و خرد نیز از بارزترین ویژگی های آرمانشهر است (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۸).

مدیریت اسلامی

دیدگاه حاکم در مدیریت اسلامی بیشتر به اسلامی کردن مدیریت می پردازد. صاحبان این دیدگاه تلاش دارند تا با تغییر در ظواهری مانند تغییر در رویه ها، آیین نامه ها، یا حتی تغییر در رفتار مدیر،

مدیریت اسلامی را پیاده سازند. در این روش، بیشترین تلاش‌ها متوجه مجریان است. اسلامی، برای مثال برنامه جذب یا توسعه منابع انسانی کاملاً ریزان متعهد به موازین اسلامی، مجریان اسلامی و حتی کنترل کنندگان اسلامی، از نتایج این دیدگاه است. این کوشش‌ها هرچند تا حدودی برای تبیین و معرفی موضوعی به نام مدیریت اسلامی موفق بوده اند، ولی در عمل به عنوان راهنمای مدیران در هدایت سازمان‌ها چندان به کار گرفته نشده اند و از پایداری و قابلیت اتکای بالایی برخوردار نیستند. این موضوع می‌تواند مبنای سؤال اصلی اندیشمندان مدیریت اسلامی باشد که الگوی مدیریت اسلامی چگونه می‌تواند در هدایت سازمان اثربخش و کارآمد باشد؟ برای پاسخگویی به این سؤال به نظر میرسد باید گامی به عقب برداشت. آنچه در سازمان به عنوان فعالیت‌های عینی قابل ارزیابی است متأثر از تفکری حاکم بر سازمان است. ریچارد هال^۱ معتقد است هر مکتب فکری بر آن است تا کل پدیده سازمان را تعریف کند. این بدان معناست که همه اجزای سازمان مانند ساختار، برنامه ریزی و رهبری متأثر از اصولی هستند که مکاتب مدیریت آنها را مبنا قرار داده اند. وی معتقد است برای درک بهتر سازمان و مدیریت باید نوعی انسجام در مبانی نظری مشاهده شود. بر این اساس، دیدگاه نوین در ارتباط با مدیریت اسلامی بر مبنای نگرش اسلامی به تئوری‌های علمی مدیریت بنا نهاده شده است. به این نوع اندیشه نگاه می‌توان نگرش اسلامی به مدیریت نام نهاد. به نظر می‌رسد فصل اسلامی نمودن مدیریت به شیوه‌ای که تمرکز مدعیان آن، اسلامی کردن مجریان است، به سرآمده و به جای کوشش در ظواهر، باید برای تغییر در نگرش‌های بنیادی تئوری‌های مدیریت کوشش نمود. این رویه می‌تواند مبنای همه تلاش‌های آینده برای توسعه مدیریت اسلامی باشد. بنابراین، تفاوت عمده اسلامی کردن مدیریت با نگرش اسلام به مدیریت، در آن است که در اولی تلاش بر تغییر ظواهر یا ابعاد عملی موضوع است، اما در دومی تلاش در تغییر بنیان‌ها یا ابعاد نظری موضع بدیهی است با تغییر در ابعاد نظری می‌توان در آینده شاهد تغییری پایدار و قابل اتکا در ابعاد عملی هم بود (نظامی‌وند و مکاران، ۱۳۹۲).

آرمان شهری در دنیایی اسلام

اندیشه آرمانشهر و پیدائی و پیدایش و خلق شهری آرمانی در تمامی مکتب‌ها و اندیشه‌ها به نوعی موجود است. در این میان دین اسلام، به سبب رویکردهای خاص توحیدنگر و ویژگی‌های خاص خود، صفات و ویژگی‌های مشخصی را برای آرمانشهر مطلوب خود خواهان است. به بیانی دیگر یکی از مهمترین مباحثی که همواره در دین اسلام مطرح گشته است، مساله آخرالزمان، ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان است، که از امور مسلم و بدیهی نزد شیعیان می‌باشد. آرمانشهر یا حکومت مهدوی به اعتقاد شیعه در موعد مقرر تحقق خواهد یافت و اندیشه انتظار که از مستحکم‌ترین عوامل پیشرفت شیعیان است از همین مفهوم سرچشمه می‌گیرد، اندیشه‌ای که از

1. Hall, Richard

بعد از دوران غیبت کبری، امام دوازدهم شیعیان حضرت حجه ابن الحسن العسکری (عج) شروع گشته، هنوز ادامه دارد و روز به روز محکم تر گشته است. در نظر شیعه تاریخ بشری، فرجامی خجسته دارد و با ظهور مهدی (عج) کار جهان به سامان می آید و آدمی به رستگاری دست می یابد. علامه طباطبایی در المیزان می فرماید:

«با این که شیطان از خدا تا قیامت مهلت می خواهد، اما مهلت الهی تا وقت معلوم است»
بر اساس این آیه (سوره الحجر، آیات ۳۸-۳۶)، دورانی می آید که زمان خوش دنیاست و آن روز دیگر شیطان بر انسان ها حاکمیت ندارد و مدینه‌ی فاضله تحقق می یابد و در آن موقع همه وعده های مربوط به امام زمان وفا می شود. در اعتقاد شیعه آن زمان جامعه‌ی اسلامی در سراسر دنیا پایه ریزی می گردد. زمانی که او ظهور می کند، دنیا آکنده از بی عدالتی، جنگ و خونریزی است که با ظهور حضرت مهدی (عج) انسانهای پرهیزگار وارث زمین می گرداند و آنانند که سعی در ترویج آرامش و امنیت در بین تمام انسانهای دنیا می کنند.

دوره ای که قرآن و احادیث شیعه به آن اشاره کرده و آن را دوره تکامل انسان می داند، زیرا از هم هی جهات انسان به کمال می رسد و چنین گرایشی به مفهوم امید به آینده ای درخشان توأم با عدالت اجتماعی، در جوهر اعتقادات شیعه نهفته است و این آرمانشهر دارای صفات و ویژگیهای منحصر به فردی در اندیشه اسلامی است. آرمانشهر اسلامی، شهر عدالت، شهر طهارت و پاکی، شهر ذکر و تذکر، شهر اصلاح، شهر شکر، شهر امن؛ و شهر تحقق شأن واقعی انسان در مقام خلیفه الهی است. اسلام در عین تذکر بر آدمی در هجران از دارالقرار واقعی و بهشت موعود، وعده تحقق حتمی آرمانشهری را ارائه می دهد که صورت کالبدی آن در سیطره دولت امام دوازدهم حضرت بقیه الله مهدی موعود (ع)، نمود عینی خواهد پذیرفت. جهان شمولی، بهره گیری از تمامی قابلیتها و قدرتها و نیروهای مادی و معنوی، تکامل شگرف علوم، اتصال آرمانشهر اسلامی مهدی موعود (ع)، به عالم های بالا و عالم شهود و غیب برخیز از برجسته ترین صفات و ویژگی های آرمانشهر اسلامی حضرت مهدی موعود (ع) است (احمدی، ۱۳۹۱).

نتیجه گیری

برای پیاده سازی نظام مدیریت اسلامی در آرمان شهرگرایی لازم است تا با استفاده از نگرش اسلامی و فرضهای اثبات شده در آموزه های دینی، مبانی مدیریت، به ویژه تئوری های مدیریت در مکتب های مختلف بررسی شوند. برای این منظور نیاز است تا از نوعی گروه بندی تئوری های مدیریت بهره گرفته شود. این دسته بندی براساس نگرش های حاکم بر تئوری ها، شامل سه گروه: تئوری های مبتنی بر نگرش های خاص، نگرش های عمومی غیر ایدئولوژیک و نگرش های عمومی ایدئولوژیک بنا نهاده شده است. نگرش اسلامی به عنوان یک نگرش عمومی می تواند برای همه یافته های علمی حاصل از

نگرش های اختصاصی براساس آموزه های دین مبین اسلام تعریفی مجدد ارائه کند به نحوی که این تعریف و قواعد به دست آمده از آن، چارچوبی برای پیاده سازی مدیریت اسلامی ارائه خواهد کرد. براساس نتایج به دست آمده بدون طرح یک چارچوب مشخص آرمان شهرگرایی حتی با وجود منابع غنی شامل آیات، احادیث و سنت های اولیای الهی، نمی توان برای مدیریت اسلامی مناسب باشد، اما با توجه به تقسیم بندی نگرش های حاکم بر تحلیل تئوری های مدیریت می توان چارچوبی که قابل پیاده سازی و ارزیابی باشد ارائه کرد. محور کمال طلبی برای آرمان شهرگرایی در راستای ارزش های اسلامی و نیز هدف گذاری رضایت الهی برای تقرب به واجب الوجود می تواند تعریف های جدیدی برای هر یک از نگرش های خاص علم مدیریت ارائه کند. آنچه تاکنون حاصل شده نتایج بازنگری در نگرش های تحلیل سازمان و مدیریت است و برای تحصیل نتایج عینی تر و همچنین کم ی و قابل ارزیابی، نیاز است تا برای سیستم های مدیریت در هر یک از حوزه های مورد بحث نظیر منابع انسانی، سازماندهی، فناوری و فرهنگ تلاش های وافر به عمل آید.

طراحان و معماران در آرمان شهر مبتنی بر تفکر دینی و توحیدی، در پی طراحی بنیانی هستند که با تکیه بر توحید و ایمان به خدای یگانه، تجلی نور الهی و یگانگی و هماهنگی و تعادل را از نظام مخلوق به نظام مصنوع آورده و تکرر و جهان ناسوت را به وحدت جهان معنوی و فضای ملکوتی تبدیل کنند. معماران آرمان شهر با الهام از معماری سنتی در شهرهای اسلامی با تکیه بر عوامل زیست محیطی، شاهکارهای جاویدان خلق می کنند زیرا معماران سنتی، به شهادت آثار تاریخی از دانش و مهارتی خیره کننده در زمینه طراحی شهر و استحکام بنایی که تجلی بخش معیارهای هنر اسلامی باشد، برخوردار هستند.

فهرست منابع و مآخذ

- آکوچکیان، احمد (۱۳۸۷)، آرمان شهر فلسفی تا آرمان شهر توسعه ای، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، ۱۴ اسفندماه ۱۳۸۷.
- احمدی، حسن؛ افرادی، کاظم (۱۳۹۱). سیرتفکرات پیرامون مدینه فاضله در جهان اسلام، پژوهش‌ها آموزه های فلسفه اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۱.
- افلاطون (۱۳۷۴). جمهور. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- چاوشی، سیدکاظم (۱۳۸۸)، رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی، پژوهش‌های میان رشته ای قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۲.
- سهروردی، شهاب الدین (۱۳۸۰). آواز پر جبرئیل. تصحیح، تحشیه و مقدمه سید حسین نصر. مقدمه و تحلیل فرانسوی هانری کرین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۱). سیاست مدینه. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نظامی وند چگنی، هوشنگ. جلیلود، محمدرضا (۱۳۹۲). نگرش اسلامی به مدیریت در مقابل مدیریت اسلامی. فصلنامه علمی تخصصی اسلام و مدیریت، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۲۳.

